

فهرست

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
دروس چهارم		دروس اول	
۱۰۰	گرامر	۷	گرامر
۱۰۸	واژگان	۱۷	واژگان
۱۱۸	درک متن	۲۹	درک متن
۱۲۳	آزمون‌های تستی و تشریحی	۳۴	آزمون‌های تستی و تشریحی
دروس پنجم		دروس دوم	
۱۲۷	گرامر	۳۸	گرامر
۱۳۶	واژگان	۴۸	واژگان
۱۴۶	درک متن	۵۸	درک متن
۱۵۱	آزمون‌های تستی و تشریحی	۶۳	آزمون‌های تستی و تشریحی
دروس ششم		دروس سوم	
۱۵۵	گرامر	۶۷	گرامر
۱۷۰	واژگان	۷۳	واژگان
۱۸۱	درک متن	۸۴	درک متن
۱۸۶	آزمون‌های تستی و تشریحی	۸۹	آزمون‌های تستی و تشریحی
		۹۳	آزمون نیم‌سال اول

۱۹۰	آزمون‌های جامع تستی
۱۹۴	سوالات تشریحی امتحان نهایی سال ۹۴
۲۰۰	پرسش‌های کنکور واژگان
۲۱۴	ضمیمه ۱ (گرامر پایه)
۲۲۴	ضمیمه ۲ (تلفظ و استرس)
۲۲۶	ضمیمه ۳ (پسوندها)

LESSON ONE

GRAMMAR

خوش اومدین!

متن زیر رو بخونین و به قسمتهای پر رنگش دقت کنید تا ذهنتون برای بحث امروز آماده بشه:

Ali: You were talking to a boy. **Who was he? What was he saying?**

Nima: I I don't know **who he was**. And I don't remember **what he was saying**. Ali, do you know **why this happened?**!

علی: داشتی با پسری صحبت می کردی. کی بود؟ چه می گفت؟

نیما: من ... من نمی دونم کی بود. و یادم نمی آد چه می گفت. علی، می دونی چرا این اتفاق افتاد؟!

خب، بحث امروز ما درباره ترتیب اجزای جملات سؤالیه وقتی که در دل یک جمله دیگه می آیند.

اگه به مثال بالا نگاه کنید، در جملات سوالی در خط اول، فعل قبل از فاعل قرار گرفته در حالی که در جملات خطوط بعدی، فاعل قبل از فعل اومده و شکل خبری به خودش گرفته.

Noun Clauses

جمله واردهای اسمی

اگر یک جمله سوالی را بخواهیم در دل یک جمله دیگر بیاوریم، جمله از حالت سوالی خارج می شود و به شکل خبری در می آید:

What did he buy?

سوالی (فعل قبل از فاعل)

I don't know what he bought.

خبری (فاعل قبل از فعل)

خوبه بدونین به این جملات که از شکل سوالی در می آیند و به صورت خبری نوشته می شن (فاعلشون قبل از فعل می آید). پیرو اسمی یا جمله اسمی یا جمله وارده

اسمی (noun clause) می گن.

پیروهای اسمی همیشه شکل خبری دارند یعنی فاعل قبل از فعل ذکر می شود.



بحث **noun clause** (از مباحث بسیار مهم کتاب سال سوم و نینر کنکور است).

۱. پیرو اسمی (یا جمله پیرو اسمی یا جمله وارده اسمی یا جمله اسمیه) جمله ای است که در نقش اسم به کار می رود؛ یعنی تمام نقش هایی را که یک اسم می تواند ایفا نماید بازی می کند؛ مثال:

(۱) فاعل

چیزی که مهم است مقدار غذاست. **What is important** is the amount of food.

پیرو اسمی (فاعل)

(۲) مفعول

I know **what you need**. می دانم چه چیزی می خواهی.

پیرو اسمی (مفعول)

(۳) متمم (بعد از حروف اضافه ای مانند **about / of / ...**)

He talked about **what he needed**. او راجع به آنچه نیاز داشت صحبت کرد.

پیرو اسمی (بعد از حرف اضافه)

(۴) نقش های دیگر (از بحث ما خارج است).

مراحل آوردن جمله سؤالی با wh- در دل یک جمله دیگر (تبدیل حالت سؤالی به خبری)



(۱) wh- را با حرف کوچک می نویسیم.

(۲) فاعل را قبل از فعل می آوریم.

(۳) اگر فعل کمکی do بود، حذف می شود. اگر does بود، حذف می شود و فعل اصلی s یا es می گیرد. اگر did بود، حذف می شود و فعل اصلی به شکل گذشته می آید. اگر فعل کمکی غیر از do، does یا did بود یا همین سه فعل در شکل منفی بود، هیچ تغییری نمی کند.

چند مثال:

- | | |
|------------------------------------|--|
| How is Ali? | He asks me how Ali is. |
| Why do they talk to him? | I don't know why they talk to him. |
| Where does he usually meet her? | I wonder where he usually meets her. |
| When did she sell the car? | I want to know when she sold the car. |
| Which book don't they want to buy? | He asks me which book they don't want to buy. |

حالت خاص: اگر در جمله سؤالی پس از کلمه wh- فعل آمده باشد؛ یعنی کلمه wh- یک کلمه پرسشی فاعلی باشد، فقط wh- را با حرف کوچک نوشته، عیناً جمله را بدون تغییر می آوریم:

- What is happening there?
- I know **what is happening there**.

این مسأله بیش تر درباره ی who و what رخ می دهد.

تمرین: به سوالات زیر پاسخ دهید.

1. "What did he say?"
I don't know
2. "Where has she gone?"
I want to know
3. "Who(m) was he talking to?"
I wonder
4. "Who answered the question?"
I can't remember

پاسخ:

1. I don't know what he said.¹
2. I want to know where she has gone.
3. I wonder who(m) he was talking to.²
4. I can't remember who answered the question.

نکته اضافه: گاهی بعد از کلمات wh- دار وسط جمله بلافاصله مصدر (to + v) می آوریم.

- He taught me how **to play** basketball.
- I don't know **where to go**.
- He told me **what to say**.

او به من یاد داد چه طور بسکتبال بازی کنم.

نمی دانم کجا باید بروم.

به من گفت چه بگویم.

جمع بندی:

فعل + فاعل + wh- (در وسط جمله)
 (شکل ساده ی فعل + to) مصدر + wh- (در وسط جمله)



موضوع اصلی درس را در اینجا یاد بگیرد و نکات ظریف تر و تستی را در بخش سوالات چهارگزینه ای.

۱. چون صورت سؤال گذشته است (did he say) در پاسخ همان فعل گذشته (said) می آید.

۲. فعل wonder یعنی «از خود پرسیدن».

ساختار *to be going to + v.* شکل ساده‌ی فعل + *(am / is / are) going to*

ساختار فعل ساده *to be going to +* برای اشاره به **زمان آینده** به کار می‌رود؛ همان‌طور که می‌بینید در این ساختار مصدر فعل به کار می‌رود.

I <u>am</u> going to help.	قصد دارم کمک کنم.	<u>We are</u> going to help.	قصد داریم کمک کنیم.
<u>You are</u> going to help.	قصد داری کمک کنی.	<u>You are</u> going to help.	قصد دارید کمک کنید.
<u>He / She / It is</u> going to help.	قصد دارد کمک کند.	<u>They are</u> going to help.	قصد دارند کمک کنند.

⚠️ کاربردهای اصلی این ساختار:

(۱) قصد و تصمیم به انجام کاری (با برنامه‌ریزی قبلی)

▶ I am going to study French next year.

قصد دارم سال آینده زبان فرانسه بخوانم.

(۲) پیش‌بینی رخ دادن قریب‌الوقوع عملی که در زمان حال نشانه‌هایی از وقوعش وجود دارد

▶ Look at the dark clouds! It's going to rain.

به ابرهای تیره نگاه کن. می‌خواهد باران بیارد.

📌 تمرین: با کلمات داده شده و ساختار *to be going to* جمله بسازید.

1. She / sell / her car
2. My father / not buy / a house¹
3. He / fall / into the hole.
4. Oh, sir. May I leave the classroom? **I / sick.**

▶ پاسخ:

1. She is going to sell her car.
2. My father is not going to buy a house.
3. He is going to fall into the hole.
4. I 'm going to be sick.

⚠️ توجه: برای اشاره به زمان آینده گاهی از **will** هم استفاده می‌شود. سؤال این است که چه فرقی بین *will* و *be going to* وجود دارد. مثال زیر را ببینید:

A: The phone is ringing.

B: I 'll get it.

ب: من جواب می‌دهم.

الف: تلفن زنگ می‌زند.

ساختار *to be going to* تصمیم با **برنامه قبلی** را نشان می‌دهد در حالی که *will* به تصمیم **در لحظه صحبت** اشاره می‌کند.

یادداشت:

.....

.....

.....

.....

🕒 حال که اصول گرامر این درس رو یاد گرفتین، سراغ پرسش‌های صفحات بعد بروید و دانش خودتون رو بسنجید.
پرای هر سؤال حدوداً ۴۵-۳۰ ثانیه به خود وقت بدهید.

I'm going to sell my car. ⇒ I'm not going to sell my car.

He is going to play football. ⇒ Is he going to play football?

۱. برای منفی کردن این ساختار بعد از فعل *to be* کلمه‌ی *not* می‌آوریم.

برای سؤالی کردن این ساختار فعل *to be* را قبل از فاعل می‌بریم:

ببین پاسخوویی به سوالات تألیفی و سوالات کنکور چند روزی فاصله باشه.



- 18. They wanted to know to buy.**
 1) how many she wanted books
 2) how many books did she want
 3) how many did she want books
 4) how many books she wanted
- 19. She wanted to know why him to the party.**
 1) I haven't invited
 2) I hadn't invited
 3) have I not invited
 4) had I not invited
- 20. Where is a secret.**
 1) are you going
 2) you going
 3) are we going
 4) we are going
- 21. She told me where that book.**
 1) buy
 2) do I buy
 3) that buy
 4) to buy
- 22. "Do you speak Franch?"
 He asked me**
 1) how I speak
 2) you spoke
 3) if I spoke
 4) did you speak
- 23. "Where do you buy good food?"
 He wants to know good food.**
 1) that where I buy
 2) where I buy
 3) that where do you buy
 4) where do you buy
- 24. They eat a sandwich for lunch tomorrow.**
 1) may going to
 2) may be going to
 3) were going to
 4) be going to
- 25. The letter we wrote next week.**
 1) is going to send
 2) are going to send
 3) is going to be sent
 4) are going to be sent
- 26. We the train, but then we decided to go by car.**
 1) are taking
 2) were taking
 3) are going to take
 4) were going to take

پرسش‌های کنکورهای سراسری و آزاد

- 27. He wanted to know how old** (تیرمی ۷۰)
 1) does my uncle have
 2) my uncle was
 3) my uncle had
 4) was my uncle
- 28. The manager asked me in my present job.** (آزاد ریاضی غیرپزشکی ۸۰)
 1) how long had I been working
 2) how long I have been working
 3) how long I had been working
 4) how long have I been working
- 29. A: Hello, May I speak to Jim, please?
 B: Just a moment, I him.** (سراسری - زبان فارسی ۸۲)
 1) get
 2) will get
 3) am getting
 4) am going to get
- 30. "Do you remember what ?" "Yes, I do"** (سراسری انسانی ۸۷)
 1) the teacher says
 2) the teacher said
 3) did the teacher say
 4) does the teacher say
- 31. Does Mary know whom at the last party?** (سراسری انسانی ۸۸)
 1) they met
 2) they meet
 3) do they meet
 4) did they meet
- 32. I don't know** (آزاد ریاضی ۸۸)
 1) where they come from
 2) where do they come from
 3) where did they come from
 4) where are they from
- 33. Can you tell me how far from here to your university?** (آزاد تیرمی ۹۰)
 1) there is
 2) it is
 3) is it
 4) is there
- 34. What did you say to your friend when he asked where** (ریاضی ۹۳)
 1) did you spent your weekend
 2) you had spent your weekend
 3) your weekend did you spend
 4) had your weekend been spent



پاسخ پرسش‌های چهار گزینه‌ای گرامر

در این قسمت، مروری بر کلمات **wh-** پرسشی و کاربرد آن‌ها شده است. این مبحث را به دقت مطالعه فرمایید.

کلمات wh- عبارتند از **how, why, when, where, whose, whom, who, which, what, whether**. این کلمات (به غیر از **whether**) می‌توانند برای ساخت یک جمله پرسشی در ابتدای جمله به کار روند.

روش ساخت جمله پرسشی به این صورت است که ابتدا جمله خبری را به صورت سؤالی تبدیل نموده، سپس کلمه پرسشی را به ابتدای آن می‌آوریم. در انتها کلمه و یا قطعه‌ای از جمله را که مد نظر کلمه پرسشی می‌باشد، حذف می‌کنیم. مثال:

You are going there. ⇨ Are you going there? ⇨ Where are you going?

He will leave tomorrow. ⇨ Will he leave tomorrow? ⇨ When will he leave?

البته اگر کلمات **wh-** از فاعل جمله سؤال کنند، فقط فاعل را برداشته کلمه **wh-** را جایگزین می‌کنیم؛ مثال:

Jack saw the car. ⇨ Who saw the car?

(فاعل)

اکنون به کلمات پرسشی و معنی آن‌ها دقت کنید:

who (چه کسی، که)

وقتی می‌خواهیم یک **انسان** را که نقش **فاعلی** دارد، مورد سؤال قرار دهیم از **who** استفاده می‌کنیم.

A: "Who broke the window?" B: "Jack (فاعل) broke the window."

«چه کسی پنجره را شکست؟» «جک»

whom (چه کسی را، به چه کسی)

وقتی بخواهیم یک **انسان** را که نقش **مفعولی** دارد، مورد سؤال قرار دهیم از **whom** استفاده می‌کنیم.

A: "Whom did Jack see in the street?" B: "Jack saw James (مفعول) in the street."

«جک چه کسی را در خیابان دید؟» «جیمز را.»

what (چه چیزی، چه چیزی را، به چه چیزی)

وقتی بخواهیم **چیزی** را مورد سؤال قرار دهیم از **what** استفاده می‌کنیم.

The house caught fire. ⇨ What caught fire?

چه چیزی آتش گرفت؟

Jack will paint the house. ⇨ What will Jack paint?

جک چه چیزی را رنگ خواهد زد؟

از کلمه **what** همچنین می‌توان برای پرسش **شغل** نیز استفاده نمود.

A: "What is your father?" B: "He is a doctor."

«پدرت چه کاره است؟» «پزشک است.»

از سوی دیگر **what for** یعنی «چرا» که معادل **why** (چرا) می‌باشد. دقت کنید که معمولاً حرف اضافه **for** در انتهای جمله پرسشی به کار می‌رود.

Why did he come late? = "What did he come late for?" ⇨ "Because of the traffic."

چرا او دیر آمد؟ به خاطر ترافیک

which (کدامیک، کدامیک را)

این کلمه را می‌توان برای پرسش از **چیزی** به کار برد و از این لحاظ مانند **what** می‌باشد. تفاوت در آن است که **which** به موارد معین و محدودی دلالت دارد ولی در مورد **what** این گونه نیست. مثال:

Which is your name, Reza or Ahmad? جمله ۲ What is your name? جمله ۱

ملاحظه می‌کنید که در جمله ۱ برای پرسش اسم فرد از **what** استفاده شده است زیرا که سؤال کننده اصلاً اسم او را نمی‌داند و اسم شخص هر چیزی می‌تواند باشد (موارد نامحدود). در جمله ۲ سؤال کننده اسم شخص را نمی‌داند اما موارد، نامحدود نیست بلکه بین دو اسم شک دارد و به همین دلیل از **which** استفاده کرده است.

where (کجا)

A: "Where do you want to go?" B: "A restaurant."

برای سؤال از **مکان چیزی** به کار می‌رود.

when (کی، چه هنگام)

A: "When will he arrive?" B: "At five o'clock."

برای سؤال کردن از **زمان انجام کار** استفاده می‌شود.

how (چگونه، چطور)

توجه کنید با آنکه هجای آغازین این کلمه با **wh** شروع نمی‌شود ولی آن را جزو کلمات **wh-** حساب می‌کنند. دارای کاربردهای عمده زیر است:

A: "How do you go to work?" B: "By bus."

الف) پرسش از **چگونگی و روش**:

A: "How are you?" B: "I'm very well."

ب) پرسش از **وضعیت جسمانی یک نفر**

whose (مال چه کسی)

برای سؤال کردن از **مالک یک چیز یا فرد** استفاده می‌شود. قابل توجه است که پس از **whose** غالباً یک اسم می‌آید که همان مورد تملک است.

A: "Whose book is this?" این کتاب چه کسی است؟

مورد تملک

B: "It is Jack's book/his book." کتاب جک است / کتاب اوست.

صفت ملکی 's + اسم

با وجود این که کنکور دانشگاه آزاد حذف شده است، برخی از سؤالات آزمون آن را که از نظر شکلی شبیه سؤالات سراسری است، برای تمرین شما (پنجا آورده‌ام.

- ۱- گزینه (۳) **مهم‌ترین نکته:** پس از کلمه wh- در پیرو اسمی، جمله شکل خبری دارد یعنی حتماً ابتدا فاعل می‌آید و بعد فعل.
 در گزینه‌های ۲ و ۳ فاعل (she) قبل از فعل آمده است اما گزینه ۲ غلط است زیرا در فرایند خبری کردن do, does و did حذف می‌شوند اما بقیه افعال کمکی باقی می‌مانند.
- ۲- گزینه (۲) به پاسخ سؤال ۱ مراجعه کنید.
- ۳- گزینه (۳) به پاسخ سؤال ۱ مراجعه کنید.
- ۴- گزینه (۱) اگر جمله سؤالی با کلمات wh- فاعلی (یعنی وقتی پس از کلمه wh- فعل می‌آید) ساخته شده باشد، هنگام تبدیل به پیرو اسمی هیچ تغییری نمی‌کند.

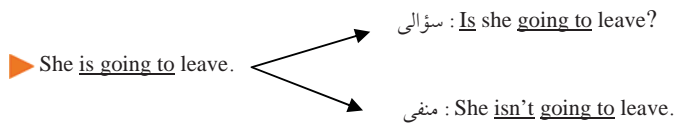
<p>Who types the letters here? فاعلی What will happen next? فاعلی Which one is cheaper? فاعلی Whose father is richer? فاعلی</p>	⇒	<p>I know <u>who</u> types the letters here. She knows <u>what</u> will happen next. I know <u>which one</u> is cheaper. She wants to know <u>whose father</u> is richer.</p>
--	---	--

- ۵- گزینه (۳) به پاسخ سؤال بالا مراجعه کنید.
- ۶- گزینه (۳) در پیرو اسمی حتماً ابتدا فاعل می‌آید و سپس فعل. از میان گزینه‌ها فقط ۲ و ۳ چنین حالتی را دارند. اما باید دقت کنیم که جمله اصلی «..... I remember» یک جمله خبری است و لذا انتهای آن نقطه می‌آید و نه علامت سؤال.
- ۷- گزینه (۴) اولاً، پس از کلمه wh- در وسط جمله حتماً ابتدا فاعل می‌آید و بعد فعل (گزینه‌های ۲ و ۳ نادرست هستند). ثانیاً، جمله اصلی صورت سؤال «Do you know ...?» یک جمله پرسشی است و لذا انتهای جمله باید علامت سؤال بیاید.

- علامت گذاری انتهای جملات مرکبی** که حاوی پیرو اسمی wh- هستند به **جمله اصلی** وابسته است. پس نقطه‌گذاری انتهای جمله به پیرو اسمی wh- ربطی ندارد.
- ۸- گزینه (۳) اولاً، پس از کلمه wh- (مثلاً how) در ابتدای پیرو اسمی ابتدا فاعل می‌آید و بعد فعل. ثانیاً، فعل پیرو اسمی باید از نظر زمانی با فعل اول جمله مطابقت کند. چون فعل اول جمله گذشته است، فقط گزینه ۳ صحیح می‌باشد.

- مثالی دیگر:** آقای راننده آرام‌تر! تصادف خواهی کرد.
 ۹- گزینه (۴) کاربرد اصلی to be going to اشاره به تصمیم فردی برای انجام کاری در آینده است.
 معنی: او قصد دارد در شستن ظرف‌ها به ما کمک کند.

- ۱۰- گزینه (۳) وجود قید next August (ماه آگوست آینده) نشان زمان آینده است و از میان گزینه‌ها فقط گزینه ۳ مربوط به زمان آینده است.
 معنی: همان‌طور که تصمیم گرفته‌ایم، قصد داریم آگوست آینده به خانه جدیدمان اسباب‌کشی کنیم.
 ۱۱- گزینه (۱) ساختار to be going to با بردن to be قبل از فاعل، سؤالی می‌شود، و با منفی کردن to be، منفی می‌گردد:



- ۱۲- گزینه (۴) معنی: «آن» پول زیادی برنده شده است. شنیده‌ام او قصد دارد به سفر دور دنیا برود.
 ۱۳- گزینه (۱) مفهوم قصد داشتن به انجام کاری در آینده را هم با will و هم با to be going to می‌توان ابراز کرد.

تفاوت در این است که اگر تصمیم قبل از زمان صحبت گرفته شده از to be going to و اگر تصمیم در لحظه صحبت گرفته شده از will استفاده می‌شود. مقایسه کنید:

- I've decided to buy a car. I'm going to buy a B.M.W. تصمیم گرفته‌ام اتومبیلی بخرم. قصد دارم ب. ام. و بخرم.
 A: تلفن دارد زنگ می‌زند. B: جداً؟ من به آن جواب می‌دهم.

- A: The phone is ringing. B: Really? I'll answer it. در این سؤال نیز نفر B در لحظه صحبت تصمیم می‌گیرد که برود و مقداری نمک از فروشگاه بخرد.
 معنی: A: می‌خواهم آشپزی کنم اما هیچ نمکی در خانه نداریم. B: نداریم؟ می‌روم از فروشگاه بخرم.
 ۱۴- گزینه (۴) به پاسخ سؤال بالا مراجعه کنید.

معنی: «تصمیم گرفته‌ام این اتاق را رنگ بزنم.» «قصد داری آن را چه رنگی بزنی؟»

- ۱۵- گزینه (۲) یکی دیگر از کاربردهای to be going to پیش‌بینی رخ دادن قریب‌الوقوع عملی در آینده نزدیک بر اساس شواهد موجود در زمان حال است.
 مثلاً در این سؤال به معنی جمله دقت کنید: «آن مرد نمی‌بیند کجا دارد می‌رود. چاله‌ای جلوی اوست. داخل چاله خواهد افتاد.»

۱۶- گزینه (۳) گاه کلمه پرسش wh- به صورت مرکب با کلمات دیگر می آید (این را از روی معنی می فهمید):

- ▶ whose father پدر چه کسی
- ▶ how many chairs چند تا صندلی

مثلاً در این سؤال which book (کتاب چه کسی) کلمه پرسشی ماست که طبق قاعده، چون در وسط جمله آمده است پس از آن جمله خبری خواهیم داشت، از آنجایی که which book در این سؤال خود نقش فاعلی دارد، پس از آن فعل (is) آمده است.

معنی: می خواهم به تو نشان دهم کدام کتاب برای بچه ها مفید است.

۱۷- گزینه (۱) whose (مال چه کسی) مالک چیزی یا کسی را سؤال می کند. می تواند پس از آن اسم بیاید.

I don't know whose book is red.

نمی دانم کتاب چه کسی قرمز است.

I don't know whose book you borrowed .

نمی دانم کتاب چه کسی را قرض گرفتی.

معنی: نمی دانستم ساعت چه کسی را می توانستی قرض بگیری.

۱۸- گزینه (۴) کلمه how به صورت مرکب با لغت دیگر برای بیان مقاصد خاصی به کار می رود. دقت کنید:

how much

این ترکیب برای پرسش از «مقدار» چیزی که غیر قابل شمارش است و یا برای پرسش از «قیمت» چیزی به کار می رود. مثال:

A: "How much sugar should I buy?" B: "Just two kilograms." اولی: چقدر شکر باید بخرم؟ دومی: فقط دو کیلو.

A: "How much is this book?" B: "2000 tomans." اولی: قیمت این کتاب چند است؟ دومی: ۲۰۰۰ تومان.

how many

این ترکیب برای پرسش از «تعداد» چیزی که قابل شمارش است، به کار می رود. اسم پس از آن به صورت جمع آورده می شود. مثال:

A: "How many students have gone out?" B: "All of them." اولی: چند تا دانش آموز بیرون رفته اند؟ دومی: همه آنها.

how old

این ترکیب برای پرسش از «سن» شخصی و یا «قدمت» چیزی به کار می رود. مثال:

A: "How old are you?" B: "I'm twenty years old." اولی: چند ساله هستی؟ دومی: بیست سال دارم.

how big

این ترکیب برای پرسش از «اندازه» چیزی به کار می رود. مثال:

A: "How big is your house?" B: "It has four bedrooms." اولی: خانه ات چقدر بزرگ است؟ دومی: چهار اتاق خواب دارد.

how often

این ترکیب برای پرسش از «دفعات انجام کار» به کار می رود. پاسخ آن یکی از قیود تکرار و یا دفعات انجام کار می باشد. مثال:

A: "How often do you go to cinema?" B: "Four times a week." اولی: چند وقت یکبار به سینما می روی؟ دومی: چهار بار در هفته.

A: "How often do you see him?" B: "Seldom." اولی: چند وقت یکبار او را می بینی؟ دومی: بندرت.

how far

برای پرسش از «مسافت» از این واژه استفاده می کنیم. این ترکیب می تواند برای پرسش «فاصله» مکانی تا مکان دیگر نیز به کار رود.

A: "How far can you throw the stone?" B: "About 50 meters." اولی: تا چه مسافتی می توانی سنگ را پرتاب کنی؟ دومی: حدود ۵۰ متر.

A: "How far is it from Tehran to Karaj?" B: "I think it's about 50 kilometers." اولی: از تهران تا کرج چقدر راه (چه فاصله ای) است؟ دومی: فکر می کنم حدود ۵۰ کیلومتر باشد.

how long

این ترکیب را می توان برای پرسش از «زمان به طول انجامیدن کاری» و یا پرسش از «طول چیزی» به کار برد.

A: "How long does it take you to get to Karaj?" B: "About half an hour." اولی: چقدر طول می کشد تا به کرج برسی؟ دومی: حدود نیم ساعت.

A: "How long is this bar?" B: "It's 5 meters." اولی: این میله چقدر طول دارد؟ دومی: (طولش) ۵ متر است.

با این توضیحات و دقت در این که پس از کلمه wh- در پیرو اسمی، اول باید فاعل بیاید و بعد فعل، گزینه ۴ تنها پاسخ صحیح است.

معنی: آنها می خواستند بدانند او می خواست چه تعداد کتاب بخرد.

تمرین: جدول زیر را بخوانید. ابتدا ستون چپ را مطالعه کنید و دلیل نادرستی هر جمله را بگویید و سپس در ستون راست شکل درست جمله را مطالعه فرمایید.

نادرست	درست
I know who are you.	I know who you are.
I know who are you?	I know who you are.
I know who you are?	I know who you are.
Do you know who I am.	Do you know who I am?
Do you know who am I?	Do you know who I am?

۱۹- گزینه (۲) قاعده تطابق زمانی فراموش نشود:

اگر فعل جمله قبل از wh- گذشته است، فعل جمله بعدی هم باید به یکی از زمان‌های گذشته باشد: گذشته ساده، گذشته استمراری، ماضی بعید، آینده در گذشته (مصدر بدون to.../might/could/would).

۲۰- گزینه (۴) دقت فرمایید که مثال‌های کتاب‌های درسی از جمله‌واره‌های اسمی در نقش مفعولی می‌باشد و تمامی سؤالات کنکور هم طبیعتاً از همین نوع طرح شده است، اما همان‌طور که در پاسخ سؤال اول توضیح دادیم، جمله‌واره‌های اسمی ممکن است در نقش فاعل هم به کار روند که نمونه‌اش صورت همین سؤال است: این که ما کجا داریم می‌رویم یک راز است.

► Where we are going is a secret.
جمله‌واره اسمی = فاعل

۲۱- گزینه (۴)

پس از تمام کلمات wh- غیر از why، می‌توانیم به جای جمله، از مصدر یا to استفاده کنیم.

► Please show me what to do.
مصدر لطفاً به من نشان بده چکار باید کنم.
او به من گفت چطور با آن کار کنم.

► She told me how to work with it.
مصدر همان‌طور که می‌بینید، وقتی پس از کلمه wh- مصدر می‌آید، یک مفهوم باید یا توانستن در معنای جمله مستتر است:

► She told me where to buy that book. = She told me where I should buy that book.
مصدر او به من گفت آن کتاب را کجا باید بخرم (یا می‌توانم بخرم).
could buy

جمع‌بندی: پس از کلمه wh- در وسط جمله یا (۱) جمله می‌آید و یا (۲) مصدر (to).

۲۲- گزینه‌ی (۳) اگر جمله‌ی سؤالی با wh- شروع نشود و با فعل کمکی (مثل do, does, did, can, will و...) آغاز شود، در جمله غیرمستقیم (جمله‌واره‌ی اسمی) از if یا whether به معنی «آیا، که آیا» استفاده می‌شود.
معنی: او از من پرسید که آیا فرانسوی صحبت می‌کنم.

۲۳- گزینه‌ی (۲) توجه کنید وقتی کلمات wh- دار در پاسخ می‌آوریم دیگر از that (به معنی که) استفاده نمی‌شود.

۲۴- گزینه (۲) ساختار to be going to می‌تواند همراه بیشتر افعال ناقص (modal verbs) یعنی can, could, may, might, ... هم به کار رود:

to be going to + فعل ناقص

► may be going to
واضح است که may (یا هر فعل ناقص یا وجهی دیگری) مفهوم خاص خود (مثل احتمال) را بر مفهوم ساختار اضافه می‌نماید (مثلاً) may be going to یعنی ممکن است در آینده چنین یا چنان شود.

معنی: آن‌ها ممکن است فردا برای نهار ساندویچ بخورند.

to be going to + be + pp

۲۵- گزینه (۳) ساختار to be going to طبق این فرمول مجهول می‌شود*:

► We are going to send the flower.
مفعول فعل فاعل معلوم ما قصد داریم گل را بفرستیم.

► The flower is going to be sent.
مفعول فاعل مجهول گل قرار است فرستاده شود.

حال در این سؤال فاعل جمله letter است به معنی دقت کنید: «نامه‌ای که ما نوشتیم قرار است هفته بعد فرستاده شود»
فاعل جمله معترضه

* البته بحث مجهول‌ها رو در درس ۶ کاملاً بازگو می‌کنیم.

LESSON ONE

VOCABULARY

آموزش واژگان Vocabulary Organizer

سال‌هاست که آموزش لغت به شیوه سنتی یعنی به صورت ارائه واژگان در قالب لیست‌های بلند بالا در کنار معنی فارسی آن‌ها به عنوان شیوه‌ای ناکارآمد شناخته شده است. دیگر نمی‌توان از دانش‌آموزان انتظار داشت که لغات را در قالب لیست‌هایی (که یا براساس حروف الفبا و یا سطر به سطر کتب درسی تهیه شده) و جلوی هر واژه معنی فارسی‌اش آمده است، به خوبی بیاموزند و به درستی به کار برند. امروزه روش نوین آموزش لغت بر پایه **دسته‌بندی موضوعی و هدفمند واژگان، ارائه لغات در قالب مثال‌های نوعی و رایج، اشاره به ترکیب‌های رایج هر واژه و نیز توجه به کلمات هم‌خانواده، مترادف‌ها و متضاده‌ها** است. در این بخش لغات هر درس را در گروه‌های ۲۰ تا ۳۰ تایی که به روشی منطقی و اصولی طبقه‌بندی شده‌اند ارائه می‌دهم. مثلاً لغات درس ۱ را باید در سه جلسه مطالعاتی جدا از هم مطالعه فرمایید. پس از انجام تمام جلسات مطالعاتی و یادگیری کلیه لغات آن درس، وقت حل پرسش‌های چهارگزینه‌ای است که در ادامه آمده است.

SESSION 1

جلسه مطالعاتی اول

1. **improve (v)**

syn: make better, get better
improvement (n)

Iran's economy has *improved* a lot.

We plan to *improve* the roads.

2. **choice (n)**

choose (v)

We are faced with a difficult *choice*.

make a choice

a wide / limited choice

3. **relax (v)**

relaxed (adj)

relaxation (n)

Let your muscles *relax*.

You need to *relax* after those long hours of work.

He looks *relaxed*.

4. **worry (v)**

worried (about)

ant: relaxed

بهبتر شدن، بهتر کردن

پیشرفت، بهبودی

اقتصاد ایران خیلی بهبود یافته است.

قصد داریم (وضع) جاده‌ها را بهتر کنیم.

انتخاب، حق انتخاب، گزینه

انتخاب کردن

با یک انتخاب دشوار روبرو شده‌ایم.

انتخاب کردن

حق انتخاب گسترده / محدود

شل کردن، آرامش یافتن (دادن)، استراحت کردن

آرام، آسوده

استراحت، آرامش

عضلاتت را شل کن.

پس از آن ساعات طولانی کار، نیاز داری استراحت کنی.

او به نظر آرام می‌رسد.

نگران بودن، نگران کردن

نگران

Don't worry about the result. We'll win.

نگران نتیجه نباش. ما خواهیم برد.

5. **average (adj), (n)**

اسم: معدل، میانگین - صفت: متوسط، معمولی

The *average* of 4, 6 and 8 is 6.

میانگین ۴ و ۶ و ۸ مساوی ۶ است.

Your marks are not so good. So your *average* is low.

نمراتت خیلی خوب نیست. لذا معدل پایین است.

an *average* Iranian

یک ایرانی معمولی

on average

به طور میانگین

6. **single (adj)**

a *single-celled* animal

جانور تک‌سلولی

single men

مردان مجرد

single rooms

اتاق‌های یکنفره

single ticket

بلیت رفت

7. **viewer (n)**

view (n)

This sport program has many *viewers*.

این برنامه ورزشی بینندگان زیادی دارد.

8. **effect (n)**

affect (v)

Syn¹: influence

اثر، نتیجه

اثر کردن بر

سعی شده در جلسات مطالعاتی ابتدایی لغات مهم‌تر درس پیاد.



The film had a bad *effect on* her. آن فیلم تأثیر بدی روی او گذاشت.
The film *affected* her very much. فیلم خیلی روی او اثر گذاشت.
ملاحظه می‌کنید که affect حرف اضافه ندارد.

9. continue (v) ادامه دادن (یافتن)

syn: go on, keep on, carry on
I will *continue* my studies in March.
در ماه مارس مطالعاتم را ادامه خواهم داد.

10. experiment (n), (v) آزمایش (کردن)

do/carry out/perform/conduct an experiment آزمایش کردن
I learned that by *experiment*. آن موضوع را از طریق آزمایش یاد گرفتم.
experiment on / with روی (چیزی / کسی) آزمایش کردن

11. case (n) مورد، نمونه

the *cases* of a disease موارد (مبتلا به) بیماری

12. pressure (n) فشار

press (v) فشار دادن
the *pressure* of water on the walls فشار آب بر روی دیوارها

13. struggle (n), (v) اسم: کشمکش، دعوا، مبارزه، تقلا

فعل: تقلا کردن، گلاویز شدن
The boys were *struggling* together. آن پسریچه‌ها با هم گلاویز بودند.
She *struggled* to save herself from the cold.
او تقلا می‌کرد که خودش را از سرما نجات دهد.

a *power struggle* منازعه بر سر قدرت

14. find out متوجه شدن، دریافتن

syn: realize
Can you *find out* who the manager is?
آیا می‌توانی بفهمی رئیس کیست؟

توجه: می‌توانیم out را در ساختار find out حذف کنیم.

15. influence (n), (v) اسم: اثر، تأثیر - فعل: اثر کردن بر

Parents have an important *influence on* children.
والدین تأثیر مهمی روی بچه‌ها دارند.

Does the sun *influence* our lives?
آیا خورشید بر زندگی ما تأثیر می‌گذارد؟

نکته: اسم influence با حرف اضافه on می‌آید ولی فعلش حرف اضافه ندارد.

16. member (n) عضو

a *member* of the family یک عضو خانواده

17. observe (v) (1) ملاحظه و مشاهده کردن (2) رعایت کردن

observation (n) مشاهده، ملاحظه
syn: watch carefully
They *observed* how birds flew in the sky.
آن‌ها مشاهده کردند که پرندگان چگونه پرواز می‌کنند.

observe the rules قوانین را رعایت کردن

He will publish his *observations* soon.
او به زودی اطلاعات و مطالعات گردآوری شده‌اش را چاپ می‌کند.

در حالت جمع *observations* یعنی «مشاهدات، اطلاعات گردآوری شده».

18. eyesight (n) بینایی

good *eyesight* بینایی خوب و قوی
bad/poor *eyesight* بینایی ضعیف

توجه: اسم sight یعنی «بینایی، جای دیدنی، منظره».

19. certain (adj) (1) مطمئن (2) حتمی (3) خاص

I'm *certain* of what I do. از کاری که می‌کنم مطمئنم.
For *certain* reasons I decided to leave school.
برای دلایل خاص تصمیم گرفتم مدرسه را ترک کنم.

for *certain* / sure به‌طور حتم
make *certain* اطمینان حاصل کردن

توجه: certain of / about sth یعنی «مطمئن از چیزی».

20. weak (adj) ضعیف، خفیف

ant: strong
Her legs felt *weak*. پاهایش ضعیف بودند.
weak marks in maths نمرات ضعیف در ریاضی

توجه: week = هفته اما weak = ضعیف.

21. harmful (to) (adj) مضر، آسیب‌رسان

syn: damaging
ant: harmless بی‌ضرر
Smoking is *harmful to* your health.
سیگار کشیدن برای سلامت مضر است.

توجه: پسوند -ful به اسم اضافه می‌شود و صفت می‌سازد؛ مثال:

صفت → -ful + اسم
care + -ful → careful دقیق، باتوجه
harm + -ful → harmful مضر
power + -ful → powerful قوی، قدرتمند
color + -ful → colorful رنگارنگ و نورانی

22. behave (v) رفتار کردن

behavior (n) رفتار
He *behaved* like a gentleman. او مثل آقایای محترم رفتار کرد.
behave well towards sb = treat sb well = با کسی خوب رفتار کردن

23. spend (v) صرف کردن، خرج کردن

۱) spend sth on sth
۲) spend sth (on / in) doing sth
مثال:

He *spent* his energy (in) designing that car.
او انرژی خود را صرف طراحی آن ماشین کرد.
I *spend* too little on clothes. من پول کمی صرف پوشاک می‌کنم.

24. front (n) جلو، جبهه

The *front* of the car was pretty. جلوی ماشین زیبا بود.
in front of + sth/sb یعنی جلوی چیزی / کسی.

The bus stopped *in front of* the library. اتوبوس جلوی کتابخانه ایستاد.

25. get away (from) فرار کردن (از)

He managed to *get away from* the prison.

او موفق شد از زندان فرار کند.

اما اصطلاح *get sb away (from sth)* یعنی «کسی را (از چیزی) دور نگه داشتن» مثال:

A big problem is *getting* the children *away from* the TV.

یک مسأله بزرگ دور نگه داشتن بچه‌ها از تلویزیون است.

SESSION 2

جلسه مطالعاتی دوم

26. period (n) دوره زمانی، مدت زمان

The work must be completed in a two-month *period*.

کار باید در یک مدت زمان دو ماهه تمام شود.

27. successfully (adv.) با موفقیت

successful (adj.) موفق، موفقیت‌آمیز

success (n.) موفقیت

succeed (in) (v.) موفق شدن (در)

28. skill (n) مهارت

syn: ability

skilful (adj) ماهر

He shows great *skill* at playing ping-pong.

او مهارت بالایی در بازی پینگ‌پونگ نشان می‌دهد.

29. remember (v) به یاد داشتن، به یاد آوردن

ant: forget

I don't *remember* his name. اسمش را به‌خاطر نمی‌آورم.

30. fix (v) (۱) ثابت و محکم کردن (۲) تعمیر کردن (۳) تنظیم و مشخص کردن

Fix the shelf to the wall. قفسه را به دیوار محکم کن.

I *fixed* an appointment with the doctor.

با دکتر قرار ملاقات تعیین کردم.

31. cross (v) تقاطع کردن، از طرفی به طرف دیگر رفتن

cross the street از عرض خیابان رد شدن

32. program (n), (v) برنامه (ریزی کردن)

syn: plan

What's the *program* for tomorrow? برنامه فردا چیست؟

33. therefore (adv) بنابراین

syn: so, thus

34. decide (v) تصمیم گرفتن

decision (n) تصمیم

35. explain (v) توضیح دادن

explanation (n) توضیح

explain something to somebody چیزی را برای کسی توضیح دادن

give an explanation توضیح دادن

36. famous (adj) مشهور

He is *famous* for his accent. او به‌خاطر لهجه‌اش معروف است.

37. future (n), (adj) آینده، آتی

in future در آینده

his *future* wife همسر آینده او

38. interesting (adj) جالب

interested in doing sth علاقه‌مند به انجام کاری

39. function (n), (v) کار (کردن)، عملکرد، نقش

Many children can't *function* well in large classes.

کودکان بسیاری نمی‌توانند در کلاس‌های بزرگ خوب عمل کنند.

40. conversation (n) گفتگو، مکالمه

syn: dialog(ue)

41. kind (n), (adj) اسم: نوع - صفت: مهربان

syn: type, sort (n) نوع

42. careful (with / about) (adj) دقیق، با توجه

ant: careless بی‌دقت

43. colorful (adj) رنگارنگ

44. glad (adj) خوشحال (کننده)

syn: happy

45. suggest (v) (۱) پیشنهاد کردن (۲) موضوعی را نشان دادن

suggestion (n) پیشنهاد

He was tired so I *suggested* that he stay home and rest.

او خسته بود بنابراین من پیشنهاد دادم در خانه بماند و استراحت کند.

His behavior *suggests* that he's ill.

رفتارش نشان می‌دهد که بیمار است.

46. offer (n), (v) ارائه کردن، تعارف (کردن)، پیشنهاد (دادن)

offer a drink نوشیدنی تعارف کردن

47. channel (n) کانال، مجرا

48. hurry (n), (v) عجله (کردن)

Hurry up! عجله کن! (بجنب!)

to be in a hurry عجله داشتن

49. assignment (n) مأموریت، تکلیف

She is in Iraq on an *assignment* for Ettela'at.

او به عنوان مأموریتی برای روزنامه اطلاعات در عراق است.

50. editor (n) سردبیر، ویراستار، تدوینگر

این کلمه را در تمرین C از تمرینات مروری ابتدای کتاب می‌بینید.

51. age (n) (۱) سن (۲) عصر، دوره

under age بچه صغیر (فردی که هنوز بزرگ نشده)

the electronic *age* عصر الکترونیک



SESSION 3

جلسه مطالعاتی سوم

- 52. fact (n)** حقیقت، واقعیت
syn: reality
in fact = در واقع، در حقیقت actually
- 53. timetable (n)** برنامه زمانی، جدول زمانی
- 54. expression (n)** اصطلاح
- 55. rest (n), (v)** (۱) استراحت (کردن) (۲) بقیه
syn: relax
take a rest استراحت کردن
He spent the *rest* of his time painting.
بقیه وقتش را صرف نقاشی کرد.
- 56. present (n), (adj)** اسم: هدیه - صفت: حاضر
- 57. report (n), (v)** گزارش (دادن)
منظور از school report همان «کارنامه» است.
- 58. departure (n)** خروج، ترک، عزیمت
ant: arrival
این کلمه را در تمرین E تمرینات مروری ابتدای کتاب می‌بینید.
- 59. cost (n), (v)** اسم: هزینه، مخارج
فعل: هزینه برداشتن، قیمت داشتن
cost of living مخارج زندگی
How much does it *cost*? چقدر قیمت دارد؟
- 60. arrival (n)** ورود، رسیدن
arrive at / in رسیدن به
arrival of the plane at the airport ورود هواپیما به فرودگاه
- 61. bridge (n)** پل
- 62. compare (v)** مقایسه کردن
comparison (n) مقایسه
in comparison with / to در مقایسه با
compare sth with / to sth چیزی را با چیزی مقایسه کردن
- 63. probably (adv)** احتمالاً، شاید
syn: perhaps, maybe
He said he couldn't come. He is *probably* busy.
او گفت که نمی‌تواند بیاید. احتمالاً سرش شلوغ است.
- 64. wonderful (adj)** عالی، شگفت‌انگیز، فوق‌العاده
wonder (v) از خود پرسیدن، در تعجب بودن
wonderful weather هوای عالی
- 65. bright (adj)** (۱) درخشان، پر نور (۲) باهوش
syn: light, clever
- 66. practice (n), (v)** (۱) تمرین (کردن) (۲) عمل، اجرا
Playing the piano well requires a lot of *practice*.
خوب نواختن پیانو نیاز به تمرین زیاد دارد.
in practice در عمل، هنگام اجرا
- 67. allow (v)** اجازه دادن
syn: let, permit
- allow sb in* یعنی کسی را به داخل راه دادن.
- 68. stay (v)** ماندن، باقی ماندن
We *stayed* to see what would happen.
ما ماندیم تا ببینیم چه اتفاقی می‌افتد.
- 69. research (n), (v)** تحقیق (کردن)
researcher (n) محقق
They are doing *research on / into* that illness.
آن‌ها دارند درباره آن بیماری تحقیق می‌کنند.
- 70. simply (adv)** (۱) به سادگی (۲) فقط، صرفاً
simply dressed کسی که لباس ساده پوشیده
I did that *simply* because I loved to.
آن کار را کردم فقط چون دوست داشتم (آن کار را بکنم).
اخیراً
- 71. recently (adv)** اخیراً
syn: lately, newly
recently معمولاً با زمان‌های ماضی نقلی و ماضی ساده به کار می‌رود.
- 72. power (n)** نیرو، قدرت
powerful (adj) قوی = strong
- 73. theology (n)** خداشناسی، درس دینی
- 74. algebra (n)** جبر
- 75. biology (n)** زیست‌شناسی
- 76. history (n)** تاریخ
- 77. chemistry (n)** شیمی
- 78. physics (n)** فیزیک
- 79. math (n)** ریاضیات
- 80. geometry (n)** هندسه
- 81. physical education (n)** تربیت بدنی، درس ورزش
- 82. almost (adv)** تقریباً
It's *almost* over.
تقریباً کار تمام است.
- 83. among (prep)** بین، میان
- 84. at all (adv)** اصلاً، ابداً
- 85. dentist (n)** دندانپزشک
- 86. how often** هرچند وقت یک بار؟
- 87. mark (n)** نمره، علامت
- 88. at work (exp.)** سرکار
- 89. pick (v)** چیدن
- 90. set (n)** دستگاه
- 91. skill (n)** مهارت
- 92. usual (adj)** عادی، معمول